

متن پیاده سازی شده جلسه نوزدهم سال دوم درس خارج فقه پزشکی با محوریت پرونده های قضایی 24 اردیبهشت ماه 1402

برای دریافت فایل pdf [کلیک کنید](#)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد و آله الطاهرين

اللهم كن لوليک الحجة ابن الحسن صلواتک عليه و على آباءه فى هذه الساعة و فى کل ساعة وليا وحافظا و قائدا و ناصرا و

دليلا و عينا حتى تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فيها طويلا

موضوع: ازاله بکارت ؛ پاسخ به پرسشها

در پرونده نهم ، سوالاتی بود از جمله این که آیا ازاله بکارت به غیر وطی، حکم ازاله بکارت با وطی را دارد؟ در ثبوت مهر المثل یا ارش البکاره ؛ یا این که حکم دیگری دارد.

برخی فتاوا خوانده شد و ملاحظه کردید که اختلافاتی بود اما نظری را که ما تقویت کردیم؛ این بود که از این جهت تفاوت نمی کند بنابراین اگر مثلا پزشکی یا معلم ورزش در اثر اشتباه باعث ازاله بکارت یک دختر شد ، ضامن مهر المثل است و این مساله امروزه پرونده های زیادی را به خود اختصاص داده است.

از نظر ادله من اشاره کردم اطلاق روایت ابن سنان و طلحه بن زید ؛

امام اشاره به این نکرده بودند که ازاله بکارت به چه باشد؛ مطلق بود.

امروز می خواهم روایاتی برای شما بیاورم که مورد آن غیر وطی است ؛ روایتی هست از ابن سنان و غیر ابن سنان؛ حسین بن

سعید اهوازی نقل می کند از ابن ابی عمیر...روایت در کمال اعتبار است

از امام صادق: فِي امْرَأَةٍ اِقْتَضَتْ جَارِيَةً بِيَدِهَا قَالَ «عَلَيْهَا الْمَهْرُ وَ تُضْرَبُ الْحَدَّ».

امام صادق علیه السلام در باره زنی که بکارت دختری را با انگشت خود برداشته بود، فرمود: مهر المثل او را باید بپردازد، و يك صد تازیانه هم بعنوان حدّ باو بزنند.

حد این جا دو معنا دارد؛ یکی مقابل تعزیر و دیگری تعزیر را هم در بر می گیرد. ظاهر این جا اشاره به همان تعزیر دارد.

روایت دیگری هست؛ محمد بن علی بن محبوب احمد بن محمد بن برقی... نوفلی.... سکونی ؛ امام صادق از پدرشان و از امیر

المومنین: رُفِعَ اِلَيْهِ جَارِيَتَانِ دَخَلتا الحمام فاقتضت إحداهما الأخرى بإصبعها فقضى على التي فعلت عقلاها...

این جا باصبعها اشاره شده و بحث وطی نیست.

اگر بخواهیم سرایت دهیم مطلب را به غیر انگشت ، آیا می توانیم؟ یا نهایتا سرایت بدهیم به این که مثلا دستگاه جراحی را پزشک

به رحم زن وارد کرد و به این شکل ازاله بکارت شد؛ یا وقتی ممکن است معلمی به دختر دستور خاصی برای ورزش دهد که

موجب ازاله بکارت شود؛ این را ما مستند به او می کنیم.

به هر حال این که اگر مقصر بوده یا پزشک یا معلمی بوده که به کارش مسلط نبوده است؛ این جور جاها باید الغای خصوصیت کنیم.

در کتاب فقه و حقوق قراردادهای من این مطلب را آوردم که برای توسعه فهم سه تا راهکار هست؛ یا به اولویت قطعی یا به تساوی با فهم مناط یا فهم عرفی که دیگر مناط قطعی فقیه نمی خواهد به دست آورد.

مهم این است که این دختر از حالت دوشیزگی در آمده است.

با وطی یا با انگشت یا دستگاه...همه این ها را شامل می شود.

به نظر می رسد ، در این گونه موارد، ظهور عرفی بر توسعه است.

نکته دیگری که من عرض کنم و بعد بروم سراغ سوال چهارم ...

نکته : این که بنا نیست ازاله بکارت الزاما با وطی باشد ؛ سوال این است که آیا در همه احکام فرقی نیست و یا در برخی احکام فرق است؟

بسیاری از فقها قائل اند به این که دختر وقتی می خواهد ازدواج کند اگر بکر باشد پدر و یا جد ؛ این ها باید اذن بدهند...یک ترکیبی از اذن ولی و رضایت خوددختر ..الان هم فتوای مشهور این است.

ولی اگر دختر بکر نباشد، قبلا ازدواج کرده است؛ جدا شده و الان می خواهد ازدواج کند، سوال این است که آیا باز هم اذن پدر و یا جد، شرط است؟
اذن این ها شرط نیست.

سوالات متعدد در زمینه ازاله بکارت

اگر ازاله بکارت با انگشت انجام شده باشد داستان چه می شود؟

اگر ازاله بکارت با زنا انجام شده باشد، چه می شود؟

اگر ازاله بکارت با وطی به شبهه شده باشد ، جریان چه می شود؟
بحث ما غیر وطی است ، که این جا محل بحث است.

اگر با وطی باشد ساقط است چون پدر بر دوشیزه ، ولایت دارد نه بر زن

ولی اگر با انگشت باشد ، مساله قابل بحث و گفتگو است ولی بسیاری از فقها ازاله بکارت را با وطی صحیح قبول دارند.

اگر سوال شد آیا بین ازاله بکارت با وطی و ازاله بکارت به غیر وطی صحیح آیا تفاوت هست یا نه ؟ گفته می شود : از حیث ضمان و مقدار ضمان ؛ خیر؛ اما از حیث ازدواج تفاوت است.

سوال چهارم : گاهی اوقات سوال می شود این ازاله بکارت که گفته می شود، چیست؟

برخی ازاله بکارت ها بعد مدتی ترمیم می شود، سوال این است که اگر این طور شد آیا باز هم باید فرد خاطی مهر المثل را بدهد؟
ایا ترمیم مانع تعلق مهر المثل است؟

این سوال صرفا راجع به بحث بکارت و ...نیست، سایر زخم ها و شکستها هم همین است.

اصولا نظر اسلام راجع به ترمیم چیست؟

در مرکز تحقیقات قوه قضاییه این سوال را کرده اند ، از برخی از مراجع...

سوال این است: در مواردی که در روایات حکم بهبودی کامل عضو، پس از جنایت مورد اشاره قرار نگرفته است؛ آیا درمان کامل عضو یا منفعت صدمه دیده تاثیری در کاهش دیه مقدر ندارد؟

سوال مربوط به بخش دوم ، موضوع ما است...

مادو قسمت را گفتیم یکی این که ازاله بکارت چیست و دوم این که اگر احیانا بکارت زائل ترمیم شود، حکم آن چه می شود؟
سائل می گوید در جاهایی که شارع تعیین نکرده است؛ بین بهبودی غیر بهبود، فرق گذاشته است؛ من قاضی چه کار باید انجام دهم؟

آیا درمان کامل عضو تاثیری بر دیه مقدر دارد یا نه؟

آیا باز هم می گویند مهر المثل؟

جواب مراجع در خصوص ازاله بکارت

آیت الله فاضل : در فرض موارد مذکور به صرف حدوث جنایت ، باید دیه پرداخت شود و با بهبود جراحت ، دیه تغییری نمی کند .

طبق این بیان اگر دختری ازاله بکارت شد، دیه تعلق می گیرد ولو این بکارت زود ترمیم شود، ایشان معتقد به دیه است.

کلام اطلاق هم دارد.

جناب آقای مکارم سلمه الله : در جنایت بر اعضا و بر منافع، در صورتی که عضو ترمیم شود؛ و منافع بازگردد ، دیه مقدر

واجب نیست. بلکه ارش و هزینه درمان لازم است.
روایت اطلاق دارد؛ ترمیم ولو پنج سال دیگر ترمیم شود.....
ادعای دوم در این خصوص این است: ارش هم لازم است
ادعای سوم در این خصوص این است: هزینه درمان هم لازم است.
فتوای بعدی از آقای اردبیلی معاصر است: چنان چه دیه بر صرف جنایت تعیین شده و نسبت به فرض بهبودی کامل یا ناقص تخفیفی ذکر نشده باشد، درمان تأثیری در کاهش دیه تعیین شده ندارد.
از آیت الله مکارم آمده: در صورتی که به طور کامل، و یا کمی ناقص جبران شود، دیه کامله ندارد و باید ارش داده شود.
سوال شده آیا تأثیر درمان بر میزان دیه را به غیر موارد مصرح در فقه می توان تعمیم داد؟
آیت الله بهجت گفته اند: می شود تسری داد.
نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه :
مجرد وقوع جنایت بر مجنی علیه در مواردی که دیه خاص مقرر شده است، موجب اشتغال ذمه است و حصول سلامت و بهبود چه قبل یا بعد از محکومیت چه قبل یا بعد دیه موجب سقوط آن نمی گردد، جز در موارد مصرحه در قانون.
معلوم شد که نظریه مشورتی هم مطابق نظر مثل مرحوم آیت الله فاضل است.
الان هم رویه قضایی قضات همین است. فرق نمی گذارند، آن ها وقتی حادثه واقع می شود، حکم می کنند، حتی اگر وقتی که دارند حکم می کنند، کاملاً طرف خوب شده باشد؛ اگر براساس اسناد این جنایت واقع شده باشد، حکم را صادر می کنند، می گویند رابطه حکم با موضوع، رابطه علت با معلول است.